خبر

دالان نظامی میان عراق و سوریه

● **افشین غلامی:** در عملیات‌های میدانی چند روز گذشته نیروهای حشدالشعبی توانستند به مرز سوریه در قسمت شمال غربی عراق برسند و به این ترتیب بعد از گذشت سه سال دالان نظامی‌ای را در این نقطه بین عراق و سوریه ایجاد کنند. این دالان که عرض آن درحال‌حاضر به ۳۰ کیلومتر می‌رسد معادلات جنگ با داعش را وارد مرحله دیگری می‌کند و موجب ارتباط مستقیم نیروهای کرد سوری و نیروهای عراقی به منظور همکاری تنگاتنگ در نبرد با داعش می‌شود. نیروهای حشدالشعبی اکنون از دو نقطه، یعنی از «شهرک القحطانیه» و «ام جریص» در شمال غربی و از محور «التنف» در نزدیکی مرز اردن، کنترل گذرگاه‌های مرزی را در اختیار گرفته‌اند و در صورت حرکت گازانبری در امتداد مرزها می‌توانند داعش را در عراق به محاصره خود درآورند. درحال‌حاضر در آن سوی محور «القحطانیه» و نقطه مرزی «ام جریص»، نیروهای کرد سوری حضور دارند که اگر تاکتیک هدف قراردادن داعش از سوی نیروهای حشدالشعبی در داخل مرز سوریه مورد نظر فرماندهان این نیروها باشد، واردشدن هر نیروی عراقی چه ارتش و چه حشد به این منطقه منوط به هماهنگی با کردهای سوری است. از طرف دیگر، در منطقه التنیف، در داخل خاک سوریه، شبه‌نظامیان النصره حضور دارند و فاصله نیروهای دولتی اسد تا مرز تقریبا ۱۰۰ کیلومتر است؛ بنابراین رسیدن این دو نیرو؛ یعنی نیروهای عراقی و نیروهای ارتش سوریه به یکدیگر، قدری زمان‌بر خواهد بود. اما در طرف دیگر ماجرا، آمریکا به دلیل آگاهی از این موضوع که رسیدن نیروهای عراقی و نیروهای دولتی سوریه و ایجاد دالان و رسیدن به دریای مدیترانه، به معنی محرزترشدن نقش ایران در عراق و سوریه خواهد بود، منطقه پرواز ممنوعی را که قرار بود در شمال سوریه ایجاد کند، درحال‌حاضر به شرق سوریه منتقل کرده و در دو روز گذشته، در فعل و انفعالاتی که در نزدیکی مرز عراق و سوریه از سوی نیروهای حشد انجام شد، هواپیماهای آمریکایی، مواضع حشد را هدف قرار دادند. به نظر می‌رسد حضور نیروهای زمینی آمریکا در کردستان سوریه و هلیبرن آنها در نزدیکی رقه و همچنین ایجاد دو پایگاه هوایی در این منطقه، در راستای حضور طولانی‌مدت در سوریه باشد. از همین رو، درحال‌حاضر هرگونه ایده‌ای درباره به‌هم‌رسیدن نیروهای عراقی و ارتش سوریه در دو سوی مرز سخت است و باید منتظر وقایع میدانی و سیاست آمریکا در شرق سوریه باشیم.

وبا، فاجعه جدید یمن

● بنا به ارزیابی سازمان ملل، روزانه از سه تا پنج هزار مورد جدید ابتلا به وبا در یمن ثبت می‌شود. یونیسف پیش‌تر نیز یمن را با توجه به قحطی و شیوع بیماری، کشوری «در آستانه فاجعه» ارزیابی کرده بود. گیرت کاپلر، مدیر بخش خاورمیانه صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، روز شنبه با اشاره به خطر شیوع سریع وبا در یمن اعلام کرد در این کشور روزانه از سه تا پنج هزار مورد ابتلای جدید به این بیماری ثبت می‌شود. مدیر بخش خاورمیانه یونیسف در گفت‌وگو با خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت، فقط در ماه گذشته (می ۲۰۱۷) حدود ۷۰ هزار مورد مشکوک ابتلا به وبا در ۱۹ منطقه از ۲۲ منطقه این کشور ثبت شده است. کاپلر جمعه گذشته گفته بود از این تعداد ۶۰۰ نفر، از جمله بیش از صد کودک، جان خود را از دست داده‌اند. این در حالی است که کارشناسان، شمار واقعی قربانیان وبا در یمن را بسیار بیش از آمار رسمی ارزیابی می‌کنند. گیرت کاپلر ابراز نگرانی کرده است که موارد ابتلا به وبا در صورت نرسیدن کمک‌های لازم، بتواند هر ۱۴ روز تا دو برابر افزایش یابد و به ۱۳۰ هزار و سپس به حدود ۳۰۰ هزار مورد برسد. مدیر بخش خاورمیانه یونیسف تاکید کرده است، در چنین شرایطی وبا می‌تواند چنان گسترش یابد که حتی از مرزهای یمن گذشته و به تمام کشورهای همسایه این کشور جنگ‌زده سرایت کند. این مقام سازمان ملل با اشاره به خطر کنترل‌ناپذیرشدن وبا در چارچوب‌های مرزی، ابراز امیدواری کرده که شیوع تهدیدآمیز این بیماری بتواند توجه مردم را به یمن جلب کند. کاپلر گفته است، بسیاری از بیماران حتی توان مالی مراجعه به مراکز درمانی را ندارند. مدیر بخش خاورمیانه یونیسف که به‌تازگی از سفر پنج‌روزه به صنعا، پایتخت یمن، بازگشته است می‌گوید، در کنار قحطی و گرسنگی، استفاده از کودکان در جنگ و افزایش کار کودکان، شیوع وبا تازه‌ترین بلای یمن است. به گفته کاپلر، «یمن یکی از بدترین نقاط جهان برای کودک‌بودن است». طبق اعلام سازمان بهداشت جهانی، ۷٫۶ میلیون نفر از شهروندان یمن در مناطقی زندگی می‌کنند که خطر شیوع وبا و ابتلا به این بیماری بسیار بالاست. بیماری واگیردار وبا در حالی بر یمن سایه افکنده که این کشور از سه سال پیش درگیر جنگ داخلی است. جنگ یمن از سال ۲۰۱۴ میلادی تاکنون حدود ۱۰ هزار قربانی گرفته، حدود سه میلیون آواره بر جای گذاشته و نظام بهداشتی و اقتصاد این کشور را ویران کرده است.

۶ کشور عربی روابط سیاسی خود را با قطر قطع کردند

جنگ شیوخ

هادی آذری: خاورمیانه در سال‌های اخیر کانون تحولات پرشمار و طولانی‌مدتی بوده است که به شکستن برخی اتحادهای قدیمی و شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید و بعضا زودگذر نیز انجامیده است. بااین‌حال و با وجود تفاوت در دیدگاه و منافع هیچ‌گاه در ائتلاف کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس شاهد اختلاف و گسستی جدی نبوده‌ایم؛ امری که به‌نظر با تصمیم اخیر شش کشور عربی برای قطع روابط دیپلماتیک با قطر حالا رنگ واقعیت گرفته است. روز گذشته شش کشور عربی و در رأس آنها عربستان و مصر از تصمیم خود برای قطع روابط دیپلماتیک با قطر خبر دادند به این اتهام که قطر با حمایت از داعش، القاعده و اخوان‌المسلمین در تلاش برای بی‌ثبات‌کردن منطقه است؛ اتهامی که قطر آن را قویا تکذیب کرده است. در همین باره خبرگزاری دولتی عربستان سعودی در اقدامی بی‌سابقه از بسته‌شدن مرزهای زمینی، هوایی و دریایی این شش کشور با قطر خبر داده است. علاوه بر عربستان و مصر، امارات متحده عربی، بحرین، یمن و لیبی چهار کشور دیگر هستند که خواهان قطع روابط دیپلماتیک با قطر شده‌اند. به‌نظر این اختلاف‌ها می‌تواند سرآغاز یکی از جدی‌ترین مناقشات میان دول عربی منطقه در سال‌های اخیر باشد که تبعات متعددی را برای منطقه و جهان در پی خواهد داشت. در تأیید این مدعی همین کافی است که روز گذشته قیمت جهانی نفت افزایش یافت.

قطر، کوچک اما تأثیرگذار

قطر برای اولین‌بار در دوران شیخ‌حمد آل‌ثانی که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ میلادی امیر قطر بود، توانست با اتکا به منابع غنی نفتی و متعاقبا اقداماتی مانند تأسیس شبکه الجزیره، خود را از قامت یک شبه‌جزیره کوچک در خلیج‌فارس به یک بازیگر تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه بدل کند. قطر از یک‌سو خواهان روابطی حسنه با غرب و به‌ویژه ایالات متحده و بریتانیاست به‌طوری‌که پایگاه هوایی العدید از مدت‌ها پیش پذیرای نیروهای هوایی این دو کشور است. درحال‌حاضر حدود ۱۰هزار نظامی آمریکایی در این پایگاه مستقر هستند و نظارت بر تمامی عملیات نظامی آمریکا در افغانستان و خاورمیانه از این پایگاه صورت می‌پذیرد. قطر از دیگر سو و برای حفظ موازنه در عرصه بین‌المللی کوشیده روابط خود را با ایران، حماس و همچنین با اخوان‌المسلمین به‌عنوان یکی از ریشه‌دارترین گروهای سیاسی اسلام‌گرا، گرم نگه دارد. چنین رویکردی در قبال منطقه که توأمان بتواند بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای را مدنظر قرار دهد، به‌نظر جایگاهی ویژه به قطر بخشیده است.

قطر-عربستان: از دوستی تا تقابل

طبق گفته امانوئل والرشتاین، جامعه‌شناس آمریکایی، عربستان و قطر باوجود نزدیکی ایدئولوژیک، در سال‌های اخیر بر سر تأثیرگذاری بیشتر در منطقه رقابتی تنگاتنگ داشته‌اند. حمایت قطر از اخوان‌المسلمین در مصر باعث شد که این رقابت منطقه‌ای میان قطر و عربستان در سال ۲۰۱۴ میلادی رنگ‌وبویی جدی‌تر به خود بگیرد؛ به صورتی که در اقدامی مشترک شبیه آنچه روز گذشته شاهد آن بودیم، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین در اعتراض به مفاد پیمان عدم مداخله در امور داخلی کشورها، سفرای خود را از قطر فراخواندند. پیش از آن نیز در سال ۱۹۹۲، مرگ دو سرباز قطری در حمله نیروهای سعودی به یک پست مرزی قطری، باعث افزایش تنش‌ها میان این دو کشور شده بود. بنا بر نظر بسیاری از تحلیلگران اقتصادی، این تنش‌های سیاسی درواقع نشانه‌ای از تشدید رقابت اقتصادی میان دو تولیدکننده بزرگ نفت و گاز است. علاوه بر این، قطر برخلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی از زیرسؤال‌بردن سیاست‌های خارجی ایران اجتناب ورزیده که به یک نقطه اختلاف دیگر میان این کشور و همسایگان عربش بدل شده است.

قطر در سال‌های اخیر همواره به خاطر حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا مورد انتقاد همسایگان عرب خود بوده است. در این میان، عربستان سعودی و امارات همیشه بیشترین خطر را از جانب اخوان‌المسلمین احساس کرده‌اند زیرا این گروه سیاسی اسلام‌گرای سنی همواره انتقادات تندی نسبت به حاکمیت وراثتی در این دو کشور وارد آورده‌اند. به عبارت دیگر، تلاش قطر برای تأثیرگذاری بیشتر در منطقه که با مداخله‌گری در جنگ داخلی لیبی و به‌رسمیت‌شناختن شورای انتقالی ملی شروع شد، در ادامه با حمایت مالی و سیاسی از اخوان‌المسلمین در مصر و همچنین از عناصر افراطی در سوریه ادامه یافت و زمینه تقابل‌های جدی‌تر با دیگر کشورهای عربی را فراهم کرد.

خاستگاه‌های یک شکاف

هرچند قطع روابط دیپلماتیک و بستن خطوط هوایی، اقدامی نابهنگام و شوک‌برانگیز بود اما از مدتی قبل نشانه‌های افزایش تنش میان قطر و کشورهای عربی قابل رؤیت بود. حدود دو هفته قبل بود که چهار کشور عربی سایت‌های خبری قطر ازجمله الجزیره را به‌دلیل انتشار سخنان امیر قطر که به انتقاد از عربستان سعودی پرداخته بود، مسدود کردند. امیر قطر در ادامه با انکار چنین اظهاراتی، این مسئله را یک خراب‌کاری سایبری شرم‌آور خواند؛ استدلالی که مورد قبول حاکمان سعودی قرار نگرفت. از دیگر سو، نباید نقش سفر ترامپ به عربستان را در اتخاذ این موضع تند از سوی کشورهای عربی علیه قطر نادیده گرفت. عربستان سعودی و امارات متحده عربی به‌نظر با سفر ترامپ این اطمینان خاطر را پیدا کردند که در تقابل با ایران حمایت تمام‌قد ایالات متحده را پشت‌سر خود دارند. آنها احساس کردند که به پشت‌گرمی رقص شمشیر با ترامپ و قراردادهای چندصد میلیارددلاری می‌توانند حساب خود را با سیاست‌های قطر در منطقه صاف کنند.

از دیگر سو، مصر نیز که از مدت‌ها پیش بر سر مسئله حمایت قطر از اخوان‌المسلمین روابطش با این کشور رو به سردی گذاشته، به‌نظر فرصت را برای تشکیل یک ائتلاف ضدقطری مناسب دیده است. حمایت قطر از اخوان‌المسلمین مصر تا آنجا پیش رفت که این کشور سقوط دولت مرسی و به‌قدرت‌رسیدن نظامیان را عملا یک کودتای غیرقانونی توصیف کرد. شاید به همین دلیل باشد که در بیانیه وزارت خارجه مصر، قطر به اتخاذ رویکردی خصمانه علیه مصر متهم شده است. بحرین نیز به نوبه خود قطر را به حمایت از فعالیت‌های تروریستی مسلحانه و گسترش هرج‌ومرج در این کشور متهم کرده است.

آمریکا و یک تصمیم مهم

در این میان، از اولین واکنش مقامات آمریکایی به این اتفاق مشخص است که ایالات متحده در نزاع میان متحدان منطقه‌ای خود نمی‌خواهد به حمایت از کشور خاصی بپردازد و در همین راستا آنها را به حل‌وفصل مناقشات به صورت مسالمت‌آمیز دعوت کرده است. رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه ایالات متحده، نیز که در استرالیا به سر می‌برد، با کم‌اهمیت جلوه‌دادن این مناقشه دیپلماتیک، اظهار کرد این مسئله تأثیری بر ائتلاف ضدتروریسم نخواهد داشت. این اظهارات در حالی بیان می‌شود که سفر دونالد ترامپ، خواسته یا ناخواسته، حکم چراغ سبزی را برای کشورهای عربی به‌ویژه عربستان برای اتخاذ این موضع تند علیه قطر داشته است. حال باید دید آیا ایالات متحده تاوان بی‌تجربگی تیم سیاست خارجی خود را با فاصله‌گرفتن از قطر خواهد داد یا برای جبران مافات وارد عمل می‌شود.

پلیس بریتانیا هویت ۳ مهاجم حمله لندن را مشخص کرد

لندن، قربانی توأمان داعش و محافظه‌کاران

حمله به لندن و کشته و زخمی‌شدن بیش از ۵۰ نفر آن‌هم کمتر از یک هفته مانده به انتخابات سراسری بریتانیا، ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا و حزب محافظه‌کار تحت رهبری او را در موضعی دفاعی قرار داده است. ویدئوها و خبرهای منتشرشده از شنبه‌شب تاکنون بارها حمله خونین به مرکز لندن را شرح داده‌اند: سه مهاجم با یک ون به سمت عابران پیاده‌ای که روی پل معروف لاندن‌بریج بودند، راندند و بعد از آنکه شماری از عابران را زیر گرفتند به محله‌ای در همان حوالی رفتند و با قمه به جان مردم عادی افتادند. یکی از رستوران‌های آن اطراف هم از این حملات در امان نماند و آن‌طور که برخی شاهدان عینی گفتند، مهاجمان مسلح با قمه و چاقو به داخل رستوران هجوم برده و برخی از مشتریان این رستوران را هم زخمی کردند. اگرچه در ابتدا گزارش شد که مهاجمان جلیقه‌های انتحاری به تن داشته‌اند اما سپس مشخص شد که این جلیقه‌ها فقط شبیه به جلیقه‌های انتحاری بوده و هدف مهاجمان از پوشیدن این لباس ایجاد رعب و وحشت در میان مردم بوده است. با این حساب، مهاجمان نه بر اثر انفجاری انتحاری، بلکه با گلوله‌های پلیس و پس از شلیک ۵۰ گلوله از پا درآمدند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، داعش در سایت اینترنتی خود موسوم به «اعماق» مسئولیت حمله شنبه‌شب لندن را برعهده گرفت. مقام‌های پلیس بریتانیا می‌گویند ۱۲ مظنون در ارتباط با این حمله تروریستی بازداشت شده‌اند. هفت نفر از این مظنونان زن و بقیه مرد هستند. همچنین پلیس بریتانیا هویت سه مهاجم را مشخص کرده و به زودی اعلام خواهد کرد.این سومین حمله از این دست از فروردین‌ماه به این‌سو در بریتانیاست. در آغاز بهار مهاجمی سوار بر خودرو به عابران پیاده روی پل وست‌مینستر در نزدیکی پارلمان بریتانیا حمله‌ور شد؛ یکی از محافظان ساختمان پارلمان در جریان حمله کشته شد و مهاجم نیز در محل هدف قرار گرفت و از پا درآمد. دو هفته پیش نیز یک عامل انتحاری در جریان کنسرت آریانا گرانده در منچستر، ۲۲ نفر را کشت که بسیاری از قربانیان کودکان و نوجوانان بودند.

این حملات موقعیت ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا، را متزلزل کرده و این

احتمال وجود دارد که حزب او در انتخابات سراسری روز پنجشنبه نتواند پیروزی چشمگیری داشته باشد. بسیاری از ناظران ترزا می را به دلیل کمبود بودجه پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی متهم می‌کنند اما او خود می‌گوید این سازمان‌ها از منابع کافی برای مبارزه با ترور برخوردار بوده‌اند. براساس گزارش‌ها از سال ۲۰۱۰ که ترزا می سمت وزیر کشور بریتانیا را عهده‌دار شد تاکنون، شمار نیروهای پلیس این کشور در انگلیس و ولز حدود ۲۰ درصد (۴۶.۷۰۰ نفر) کاهش یافته است و ازهمین‌رو بسیاری از تحلیلگران حملات این‌چنینی داعش در بریتانیا را با خلأ امنیتی این کشور در ارتباط می‌دانند. این درحالی است که روابط بریتانیا با کشورهای حامی تروریسم نظیر عربستان سعودی در ماه‌های اخیر افزایش یافته و براساس تحقیقاتی که هنوز منتشر نشده بریتانیا به‌واسطه عربستان سعودی از گروه‌های جهادی حمایت مالی کرده است. ترزا می هم روز یکشنبه پس از نشست کابینه بحران و در نخستین بیانیه رسمی خود پس از حمله لندن از لزوم تمهیدات ضدتروریستی جدیدی در بریتانیا سخن گفت و مدعی شد در این کشور با افراطی‌گری اسلامی بیش از حد مدارا شده است. بااین‌حال راهکار جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر و رقیب ترزا می‌در انتخابات سراسری پیش‌رو، کاملا متفاوت بود. او روز گذشته در کمپین انتخاباتی‌اش در شمال بریتانیا اعلام کرد: لندن باید مذاکرات دشواری را با عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج‌فارس درباره حمایت مالی از افراط‌گرایی داشته باشد.

ملک سلمان؛ پادشاهی با تمرکز قدرت

نوشته: ماتیس زایلر

از زمان وفات «عبدالعزیز بن‌سعود»، نخستین پادشاه عربستان، در سال ۱۹۵۳ تاکنون این کشور به طور متناوب از سوی فرزندانش اداره شده است. ۳۰ فرزند او هرکدام برای خود خانواده‌ای تشکیل داده و به مرور زمان هریک از این خانواده‌ها به کانونی از قدرت در عربستان تبدیل شده است. خانواده‌های ثروتمندتر، مدیریت مهم‌ترین وزارتخانه‌ها و نهادهای گوناگون دولت را بین خود تقسیم کرده‌اند. به‌این‌ترتیب، غالبا برخی از حوزه‌های سیاسی نظیر امنیت داخلی، دفاع یا سیاست خارجی، به شاخه‌های معینی از خانواده آل‌سعود واگذار و برای سال‌ها ادامه داشته است. هرگاه پادشاه یا یکی از فرمانروایان خواسته باشد دایره نفوذ خانواده‌اش را توسعه دهد، باید همواره در نظر داشته باشد که این امر، با رضایت بقیه اعضای خانواده باشد و این رضایت را گاه با دادن امتیازی مشابه یا مابه‌ازای مالی، به دست می‌آورد.

تمرکز قدرت

بالارفتن تدریجی سن فرزندان ملک عبدالعزیز، به‌ویژه از سال ۲۰۱۱، موجب شد تا قدرت بیشتر در دست تعداد اندکی از امیران متمرکز شود. اکتبر سال ۲۰۱۱ بود که سلطان بن عبدالعزیز بعد از یک دوران طولانی مبارزه با بیماری درگذشت. او یکی از قوی‌ترین امیران خاندان آل‌سعود بود. با رفتن او، عربستان یکی از مهم‌ترین کانون‌های قدرت سیاسی خود را از دست داد و هیچ‌یک از فرزندان او نتوانستند این خلأ را پر کنند. ازاین‌رو، خاندان سلطان پس از مرگ او نفوذشان را از دست دادند. هشت ماه بعد امیر نایف بن‌عبدالعزیز که یک وزیر کشور قوی برای عربستان بود، درگذشت. بااین‌حال فرزندش محمد که در عربستان و آمریکا به‌شدت مورد احترام است، توانست قدرت خانواده را حفظ کند. محمد بن‌نایف اکنون در رأس وزارت کشور قرار دارد؛ وزارتخانه‌ای که در هرجا دخالت می‌کند. او همچنین رئیس شورای امور سیاسی و امنیتی عربستان و نیز از آوریل ۲۰۱۵ ولیعهد این کشور است. از سال ۲۰۱۳ برادرش سعود بن‌نایف، امیر منطقه مهم الشرقیه شد؛ جایی که عمده ذخایر نفتی عربستان قرار دارد و بیشتر ساکنانش را شیعیان تشکیل می‌دهند. با درگذشت ملک عبدالله بن‌عبدالعزیز، دومین کانون قدرت در عربستان جابه‌جا شد. در دوران ملک سلمان، پادشاه کنونی، خانواده عبدالله دیگر آن قدرت سابق را ندارد و تقریبا همه را از دست داده است؛ به جز فرماندهی گارد ملی که به متعب بن‌عبدالله فرزند او سپرده شده است. ملک عبدالله فرزند دیگری به نام عبدالعزیز بن‌عبدالله دارد که اکنون معاون وزیر خارجه است. تا سال ۲۰۱۵، این وزارتخانه را سعود الفیصل بن‌عبدالعزیز اداره می‌کرد که یکی از فرزندان فیصل بن عبدالعزیز بود. بعد از وفات امیر سعودالفیصل در جولای ۲۰۱۵، ملک سلمان، عادل‌الجبیر را با وجودی که جزء اعضای خاندان حاکم نبود، مسئول این وزارتخانه کرد. به‌این‌ترتیب، خانواده فیصل نیز که سومین کانون قدرت به شمار می‌رفت، از میان برداشته شد و نفوذش را از دست داد. براین‌اساس، بخش اعظم قدرت و سیاست در دست خانواده امیر نایف و ملک سلمان قرار گرفت.

چشم‌انداز ۲۰۳۰

ملک سلمان از زمانی که به قدرت رسید، نفوذ خانواده‌اش را به شکلی تدریجی و حساب‌شده بسط داد. محمد بن سلمان، فرزند مشهور او، ۳۱ سال بیشتر ندارد که درحال‌حاضر جانشین ولیعهد و نیز رئیس شورای امور اقتصادی و توسعه و عضو شورای امور سیاسی و امنیتی عربستان است. در رسانه‌های سعودی چهره او با دخالت نظامی عربستان در یمن به هم گره خورده است. یک برنامه دیگر که با نام او گره خورده، «چشم‌انداز ۲۰۳۰» است که برنامه‌ای بلندپروازانه و درعین‌حال نمایشی برای اصلاح اقتصادی سعودی توصیف می‌شود. هر چند محمد بن سلمان این برنامه را به آن دلیل ارائه داد که نشان دهد شخصی جسور و دارای ابتکار عمل بوده و به این وسیله با ولیعهد، امیر محمد بن‌نایف، به رقابت برخاسته بود؛ اما تحولات بعدی مرتبط با او و به‌ویژه جنگ یمن، تا به حال تأثیری منفی بر شخصیت‌اش داشته است. برنامه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» شامل بسته اصلاحات اقتصادی است که قصد دارد با تدوین برنامه‌های ریاضتی به اجرا درآید. یا گفته می‌شود باید یارانه‌های دولتی از برق و آب برداشته شده و اجرت خدمات عمومی تا حد زیادی کاهش پیدا کند. از ابتدای سال ۲۰۱۸ نیز قرار است یک مالیات جدید وضع شود. این برنامه در بهترین حالت، می‌تواند تأثیری مثبت بر بازار کار عربستان بگذارد و در بدترین حالت، می‌تواند شکستی فاحش را نصیب این کشور کند.

افزایش قدرت سلمان

به همین دلیل است که تصمیمات ملک سلمان در سال ۲۰۱۷ اهمیت خاصی پیدا می‌کند. این تصمیم‌ها شامل تعیین امیر خالد بن‌سلمان، برادر امیر محمد بن‌سلمان، به‌عنوان سفیر جدید عربستان در ایالات متحده آمریکا بود تا رابطه مهم با آمریکا همچنان در دست خانواده سلمان باشد. او همچنین امیر احمد بن‌فهد بن‌سلمان را به‌عنوان معاون امیر منطقه الشرقیه منصوب کرد که در اختیار خانواده امیر نایف بن عبدالعزیز است. در کنار این تصمیمات، او یک هیئت جدید به نام «مرکز امنیت ملی» را تأسیس کرد که هنوز اختیاراتش روشن نیست. مجموع این تصمیمات قدرت را بیش از هر زمان دیگری در دست ملک سلمان متمرکز می‌کند و این امر می‌تواند تا حد زیادی خطرناک باشد زیرا ممکن است تنش‌هایی را بین سایر شاخه‌های خاندان حاکم یا در بین مردم عربستان برانگیزاند. شاید به همین دلیل بود که همراه با این تصمیمات اعلام شد تعداد زیادی از امیران جوان خاندان آل‌سعود نیز به‌عنوان معاون امیران مناطق تعیین شده و به کارمندان بخش عمومی نیز هدایای مالی پرداخت شده است.

منبع: قنطره

رویداد

هشدار شورشیان فارک به دولت کلمبیا

● گروه شورشی فارک در کلمبیا هشدار داده است که دولت این کشور برخی از مفاد توافق‌نامه بین این گروه و دولت را به دفعات نقض کرده و این نکته می‌تواند در اجرای توافق‌نامه صلح بین این گروه و دولت تأخیر ایجاد کند. به گزارش بی‌بی‌سی، رودریگو لوندونو، رهبر فارک که به «تیموچنکو» مشهور است، این هشدار را پس از آن داد که یکی از شورشیان این گروه بازداشت شد. خوان مانوئل سانتوس، رئیس‌جمهور کلمبیا، گفته درباره این بازداشت «ابهاماتی» بوده و افزوده است که این موضوع اکنون حل شده است. اول دسامبر سال گذشته میلادی مجلس نمایندگان کلمبیا به اتفاق آرا طرح صلح اصلاح‌شده با گروه شورشی فارک را تصویب کرد. این توافق به معنی پایان پنج دهه درگیری مسلحانه بود که ۲۶۰ هزار کشته به جا گذاشته است. رهبر فارک، پیش‌تر گفته بود این توافق «پایانی قطعی» برای جنگ داخلی و حل اختلاف‌ها به شکلی متمدنانه است.

مرسی بعد از بیش از ۴ سال با خانواده‌اش ملاقات کرد

● خانواده رئیس‌جمهور پیشین مصر برای اولین‌بار بعد از گذشت بیش از چهار سال توانستند با او در زندانی واقع در جنوب قاهره ملاقات کنند. به گزارش خبرگزاری آناتولی ترکیه، عبدالله، پسر محمد مرسی، رئیس‌جمهور پیشین مصر، گفت مادر و خواهرش موفق شدند با مرسی در زندان «طره» واقع در جنوب قاهره دیدار کنند. وی با بیان اینکه این ملاقات نزدیک یک ساعت به طول انجامید و مرسی از اوضاع مطلع شد، گفت، حال پدرش خوب است. وکیل مرسی نیز در این ملاقات سه‌نفره حضور داشت و آن را آغاز خوبی دانست که امیدوار است ادامه یابد.

تلاش داعش و القاعده برای تأسیس تشکیلات جدید در عراق

● یک مقام عراقی فاش کرد داعش و القاعده به‌دنبال تأسیس تشکیلات مسلحانه جدید در عراق هستند تا شکست‌های اخیرشان در موصل را جبران کنند. به گزارش ایسنا، سرتیپ سرحد قادر، رئیس پلیس شهرستان‌ها و شهرهای استان کرکوک، روز یکشنبه اعلام کرد افراد مسلح داعش و القاعده درحال‌حاضر همراه گروه‌های تروریستی دیگر در شهرستان «الحویجه» و مناطق دیگر تحت کنترل داعش در کوه‌های حمرین و استان دیالی می‌کوشند سازمان تروریستی جدیدی تأسیس کنند که صفوف آن را افراد مسلح کشورهای عربی و خارجی تشکیل می‌دهند. این فرمانده میدانی در گفت‌وگو با روزنامه فرامنطقه‌ای الشرق‌الاوسط افزود افراد مسلح کشورهای عربی و خارجی صفوف سازمان جدید را تشکیل خواهند داد.

ترکیه شهروندی فتح‌الله گولن را لغو می‌کند

● وزارت کشور ترکیه فهرست ۱۳۰ نفر از افراد مقیم خارج از کشور را که با اتهامات مختلف مواجه شده‌اند، منتشر کرده که شهروندی آنها لغو می‌شود. به گزارش سایت خبری هابر ترک، در پی ادامه بازداشت‌ها و روند قضائی علیه گولنیست‌ها، وزارت کشور ترکیه یک فهرست ۱۳۰نفره را منتشر کرد. ۱۳۰ نفر ذکرشده در این فهرست به اتهام ارتباط با فتح‌الله گولن (روحانی در تبعید و مخالف دولت ترکیه) و همچنین ارتباط با سازمان‌های از دیدگاه دولت ترکیه تروریستی از جمله «پ‌ک‌ک» شهروندی‌شان لغو می‌شود. اسامی فتح‌الله گولن و دو نماینده از حزب دموکراتیک خلق نیز در این فهرست است. روند قضائی علیه این افراد آغاز شده اگر این افراد مقیم خارج از کشور برای رسیدگی به اتهامات از دیروز (دوشنبه) تا سه ماه آینده به کشور بازنگردند و توضیحات لازم را ارائه ندهند، شهروندی‌شان لغو می‌شود.

ولادیمیر پوتین: سیاست روسیه در قبال آمریکا واکنشی است

● ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، بار دیگر اتهام دخالت در انتخابات آمریکا و داشتن اطلاعات سِرّی و مخرب علیه دونالد ترامپ را بی‌اساس دانسته است. پوتین در یک مصاحبه تلویزیونی با شبکه «ان‌بی‌سی» آمریکا، همچنین واشنگتن را به دخالت در انتخابات سایر کشورها متهم کرده است. او گفت: «انگشت خود را روی هر نقطه از نقشه جهان بگذارید، در همه‌جا این گلایه را می‌شنوید که مقامات آمریکایی در روند انتخابات داخلی، مداخله می‌کنند». ولادیمیر پوتین با تأکید بر اینکه مسکو سیاست خود را در واکنش به سیاست خارجی آمریکا تعیین می‌کند، گفت: «این به‌معنای دخالت ما نیست». پوتین روز یکشنبه همچنین این حرف را که سازمان‌های امنیتی روسیه در گذشته اطلاعاتی از دونالد ترامپ جمع کرده‌اند که می‌توانند از آن به‌عنوان اهرم فشار علیه رئیس‌جمهوری آمریکا استفاده کنند، کاملا بی‌اساس دانست. پوتین افزود: «ما ابدا رابطه‌ای با هم نداشتیم، او در گذشته به مسکو می‌آمد، اما من هرگز او را ندیدم».